

جامعه شناسی دینی – اسلامشناسی اجتماعی
آیا حکومت و شریعت اسلامی قرآنی و الهی اند؟

قرائت قرآن «غیر دینی»

جلد ۱

محدودیت های قرآنی و
تحریفات قرائت «رسمی و با واسطه»

رضا ایرملو

پروفسور جامعه شناسی- سوئد

توجه: برای تهیه کتاب به کتابفروشی های معتبر در اروپا و آمریکا و یا مرکز
توزیع آن در آلمان، کتابفروشی فروغ تلفن: ۰۰۴۹۲۲۱۹۲۳۵۵۷۰۷ و فاکس
۰۰۴۹۲۲۱۲۰۱۹۸۷۸ مراجعه فرمائید.

(این صفحه فقط برای درج در اینترنت اضافه شده است. دوستانی که کتاب را
چاپ می کنند می توانند از این صفحه صرف نظر کنند.)

آدرس برای اظهار نظر: gghevredini@yahoo.com

مجموعه های پروسه ای^{۳۳۶}

برخی از آیات متضاد از نظر مفهوم و محتوی، نقطه مقابل همدیگر نیستند، بلکه ضمن آن که با همدیگر تعارض دارند، توضیحات مختلف و متفاوت یک موضوع واحدند. این آیه ها با همدیگر پروسه ای را بیان می کنند. در این معنی، نظر و دیدی از جایی شروع به تغییر می کند و رفته رفته تا به ۱۸۰ درجه با نظر اولی فاصله می گیرد. اما اگر در آیات متضاد بتوان یکی از جهات را باطل شده و منسوخ به حساب آورد، یا به هر سببی ندیده گرفت و آن دیگری را پذیرفت، در آیه های پروسه ای، موضوع حتی با انتخاب این یا آن آیه و رد این یا آن آیه دیگر حل و فصل نمی شود. در واقع در این جا:

- انتخاب بین گزینه های مختلفی مطرح است که هرکدام نسبت به دیگری، کمی فرق می کند.

از این رو نمی توان این آیه ها را جزو آیات ناسخ و منسوخ به حساب آورد، یا با مراجعه به این اصطلاح و فرمول سنتی اسلامی، مسایل و مشکلات آن ها را به نوعی حل و فصل شده فرض کرد. با این توضیح، مجموعه های پروسه ای، بخش مهمی از آیاتی را که در موضوعات یکسان نگارش یافته اند را در بر می گیرند. آیات مربوط به "اهل کتاب" از دوستی تا به دشمنی، آیات مربوط به پذیرش دگراندیشی تا احکام قتل دگراندیشان، آیات مربوط به شراب سکر آور و سایر، نمونه های این گونه مجموعه های متعارض در قرآن اند.

- مجموعه پروسه ای آیات مربوط به "اهل کتاب"

آیات مربوط به "اهل کتاب" (یهودیان و مسیحیان) از دوستی تا به دشمنی، پروسه ای را بیان می کنند^{۳۳۷}. یهودیان در جایی از قرآن، مردمی از اهل کتاب اند. این کتاب ها، برداشت شده از کتاب مادر، یا لوح محفوظ اند و برای دعوت به ایمان به خدای مشترکی نازل

³³⁶ برای توضیح بیشتر ر. ک. به بحث مربوطه در این جلد و جلد سوم این کتاب.
³³⁷ ر. ک. به بحث «آثار طبیعی پاسخ قرآن به موضوعات روزانه» در جلد سوم این کتاب.

شده اند. در آغاز دعوت، آیات مربوط به دعوت به اسلام فقط مردم عرب مکه را مورد خطاب قرار می دهند (سوره ابراهیم، آیه ۴ و سایر). در این موقع، "اهل کتاب" در خارج از این دعوت قرار دارند و حتی به خاطر اعتقادات شان، به اندازه مسلمانان، شامل پاداش الهی معرفی می شوند (سوره بقره، آیه ۶۲؛ سوره مائده، آیه ۶۹ و سایر). در بحث های پیشین، دیدیم که پیش بینی اولیه قرآن آن بود که اینان کتاب قرآن را خواهند پذیرفت (سوره قصص، آیه ۵۲؛ سوره الرعد، آیه ۳ و سایر). بعدش آیه می آید که از اینان نیمی خوبند و معتقد، و نیمی بد و گمراهند (سوره اعراف، آیه ۱۶۸؛ سوره عنکبوت، آیه ۴۶). بعد از آن، آیه ای دیگر، هرگونه امیدی را از آنان عبث تلقی می کند (سوره بقره، آیه ۷۴). بالاخره آیاتی بر آن می شوند که اصلاً خداوند دوستی اینان با مسلمانان را نخواست و نمی خواهد (سوره بقره، آیه ۲۵۳). در نتیجه، اینان یا باید اسلام را بپذیرند یا حیات شان را با جزیه بخرند (سوره توبه، آیه ۲۹). در غیر این صورت باید کشته شده و اموال و حتی زن و کودکان شان به تصاحب مسلمین در آیند^{۳۳۸}.

مقابله این آیات نشان می دهند که:

- ۱- این آیات با همدیگر تفاوت دارند و در تعارض با همدیگر قرار دارند، ولی:
- ۲- این تعارض در بین این آیات، متقابل و به صورت ناسخ و منسوخ (یا این، یا آن) نیست، بلکه:
- ۳- هر آیه ای کمی نسبت به آیه قبلی فرق می کند و در رابطه و همراه با هم «مجموعه ای از یک پروسه تغییر و تحولی» را می سازند.

- مجموعه پروسه ای آیات مربوط به آزادی تا مجازات دگراندیشی
 آیات مربوط به آزادی دگراندیشی تا به حکم نابودی دگراندیشان معروف به کفار نیز مجموعه ای پروسه ای اند^{۳۳۹}. در این جا:
 - آیاتی حفظ مناسبات خوب و رابطه انسانی با کسانی که دین دیگری دارند، یا به اسلام عقیده ندارند را سفارش می کنند و احترام به عقاید

³³⁸ ر. ک. به بحث مربوطه تحت عنوان «رفع و رجوع تعارض و تضاد» در همین جلد از کتاب.

³³⁹ ر. ک. به فصل مربوطه در جلد دوم این کتاب.

دینی مختلف را مورد تأیید و تأکید قرار می دهند. آیه ای از این جمع، حتی آنان را از قطع رابطه دوستی با کافران منع می کند.
- آیات بعدی اما، دوری از کافران و ترک آنان را سفارش می کنند.
- آیات بعدی تر، برای دفاع شخصی در برابر تجاوز به جان و مال مسلمانان، اجازه حمل اسلحه و به کار بردن مشروط آن را می دهند، و بالاخره آیات نهائی تر امر می کنند که باید کافران مکّه آن زمان را هر جا یافتند بکشند و حتی دنبال شان کنند.^{۳۴۰}

- مجموعه پروسه ای شراب سکر آور

دیدیم که ابتدا آیه ۶۷ سوره النحل از شراب انگور و خرما به نیکی یاد می کند و آن ها را محصول لطف و خلقت خداوندی معرفی می کند. آیه ۴۳ سوره النساء مست بودن در موقع نماز را با ملایمت ممنوع اعلام می کند. این می تواند به معنی مجاز بودن نماز پس از نوشیدن کمی مشروب و حتی مجاز بودن مست کردن در اوقات دیگر باشد. آیه ۲۱۹ بعدی تر سوره البقره، نوشیدن شراب را هم خوب و هم بد می داند و دوری از خوردن آن را سفارش می کند. بالاخره، آیه ۹۰ سوره مائده، خوردن شراب سکرآور را کار شیطانی دانسته و آن را در ردیف کفر به خدا قرار داده و حکم به منع کاملش می دهد. دیدیم که این آیات را می توان در اشکال دیگر هم در کنار هم قرار داد و داستان هائی دیگر ساخت. اما:

- این آیات را به هر صورتی در کنار همدیگر قرار دهیم و این داستان را به هر شکلی بسازیم، این نتیجه حاصل می شود که این آیات همه با هم متعارض اند، ولی این تعارض به صورت تضاد متقابل و ناسخ و منسوخ نیست. آیه ۴۳ النساء مخالف و مغایر کامل آیه ۶۷ النحل نیست، بلکه فقط کمی با آن متفاوت است. عین این حالت بین این آیه با آیه ۲۱۹ بقره یا بین آیه ۲۱۹ بقره با آیه ۹۰ سوره المائده وجود دارد. در واقع، اگر چه آیه اول مغایر و در تضاد با آیه آخر است، اما هیچ آیه ای در تضاد کامل با آیه مجاورش نیست. این است که این چهار

³⁴⁰ برای توضیح بیشتر ر. ک. به بحث مربوطه تحت عنوان «آثار طبیعی پاسخ قرآن به موضوعات روزانه» در جلد سوم این کتاب.

آیه، مشترکاً «مجموعه ای از یک پروسه» را تشکیل می دهند. به طوری که هیچ آیه ای نماینده و میانگین این چهار، یا همه آیات دخیل در این مجموعه نیست و نمی تواند باشد.

از این موارد که آیاتی در ارتباط با همدیگر، پروسه ای از حادثه ای در حال تغییر و تکوین را به وجود می آورند، فراوان است. بعداً خواهیم دید³⁴¹ که این «مجموع های پروسه ای»، ناشی از تغییر و تکوین اسلام و حکومت اسلامی، چه از نظر دینی، یا از نظر سیاسی در دوره نزول بود. بر اثر این تکوین و تغییر سیاسی و اجتماعی، بسیاری از مناسبات همراه با توسعه توان و قدرت رسول و حکومت اسلامی دچار دگرگونی شدند و در نتیجه، آیات ناظر بر این تحولات و مقاطع مختلف مناسبات نیز، «کم کم» با همدیگر تفاوت پیدا کردند و مجموعه هائی از آیات پروسه ای را تشکیل دادند.

آیات متعارض به صورت مجموعه های پروسه ای، یکی از موانع عمده درک و فهم قرآن اند، چرا که با عرضه گزینه های مختلف برای موضوعی یکسان، امکان درک و فهم معنی و منظور قرآن را مانع می شوند. مشکل اساسی تر این است که همه آیات، بدون هر علامت و تمایزی در قرآن ثبت اند و برای خواننده مشخص نیست که:

- کدام آیه اول آمده، آخر آمده، منسوخ شده یا ناسخ بوده، و بالاخره:
- چگونه این تعارضات میان آیاتی که هرکدام کمی با دیگری تفاوت دارد، قابل حل و فصل اند و،
- چه راهی برای انتخاب این یا آن آیه و حکمی که نظر نهائی کتاب و خداست، وجود دارد.

³⁴¹ ر. ک. به بحث مربوطه تحت عنوان «آثار طبیعی پاسخ قرآن به موضوعات روزانه» در جلد سوم و در مورد رابطه این مجموعه ها با موضوع مورد بحث این کتاب، در جلد های بعدی تر.

آیات متشابه یا متشابهات

- توضیح لغوی

آیات "متشابه یا متشابهات" در نقطه مقابل آیات "محکم یا محکمت" قرار دارند. به بیان تفسیر نمونه، "واژه "متشابه" در اصل به معنی چیزی است که قسمت های مختلف آن شبیه یکدیگر باشند. به همین جهت به جمله ها و کلماتی که معنی آن ها پیچیده باشد و گاهی احتمالات مختلف در باره آن داده شود، "متشابه" می گویند، و منظور از "متشابهات" قرآن نیز همین است"^{۳۴۲}.

بر خلاف آن، "آیات محکم و محکمت آیاتی اند که مفهوم شان به قدری روشن است که جای هیچ گفت و گو و بحث ندارد"^{۳۴۳}. به بیان دیگر، "آیات محکم یا محکمت آیاتی اند که عاری از خلل و فساد اند و نفوذ ناپذیر و تردید ناپذیرند"^{۳۴۴} و مفهوم شان چنان روشن است که جای هیچ گونه انکار، توجیه و سوء استفاده در آن نیست"^{۳۴۵}.

به عکس، آیات متشابه در نقطه مقابل محکمت اند و از این رو در نقطه مقابل مشخصات آیات محکمت به شرح فوق، «غیر روشن»، «واجد خلل و فساد»، «نفوذ و تردیدی پذیر»، «ناقص»، «قابل انکار، سوء استفاده و توجیه» اند. بر این اساس، این آیات:

۱- معانی قابل فهم ندارند، منظور و مقصود آن ها روشن و صریح نیست،

۲- معانی ظاهری شان عقلانی و درست به نظر نمی رسند،

۳- با آیات و اعتقادات اساسی موجود در قرآن و اسلام مغایر یا متضاد اند و یا،

۴- احتمالات مختلفی در مورد آن ها می رود.

³⁴² ر. ک. به تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، جلد ۲، ص ۳۲۱.

³⁴³ پیشین.

³⁴⁴ ترجمه خلاصه تفسیر المیزان، جلد ۱، ص ۲۱۸.

³⁴⁵ تفسیر نمونه، پیشین، جلد ۲، ص ۳۲۸.

سید محمد حسین طباطبائی مولف تفسیر المیزان، آیات متشابه را به سه دسته تقسیم می کند^{۳۴۶}:

- اول متشابه از جهت لفظ، یعنی آیاتی که به خاطر نقص نظم و نثر متشابه اند.

- دوم متشابه از جهت معنا، یعنی آیاتی که به سبب نقص معنی و مفهوم شان متشابه اند.

- سوم متشابه از هر دو جهت لفظ و معنی، یعنی آیاتی که هم نظم و نثر و هم معنی و مفهوم شان با مشکل یا مشکلاتی به شرح بالا همراه اند و از هر دو نظر، یک یا تعدادی از نقائص فوق را دارا هستند.

- وجود یا عدم وجود آیات متشابه در قرآن

۱- در قرآن آیه ای بر آن است که برخی از آیات "محکم" و برخی دیگر "متشابه"^{۳۴۷} اند: "و او کسی است که این قرآن را بر تو نازل کرد که بخشی از آن آیات محکمت است که آن ها اساس کتاب است، و بخش دیگر متشابهات است..." (سوره آل عمران، آیه ۷)^{۳۴۸}.

این آیات کدامند؟ کسی نمی داند.

۲- این در حالی است که آیه ای دال بر متشابه بودن همه آیات قرآن و آیاتی نیز دال بر غیر متشابه بودن همه آیات قرآن اند. در آیه ۲۳ سوره الزمر، همه قرآن متشابه خوانده می شود: "الله نزل احسن الحديث، کتاباً متشابهاً..." خدای است که بگفت و فرستاد نیکوترین سخنی، نامه ای {کتابی} مانسته... " همه کتاب متشابه است"^{۳۴۹}.

۳- در مقابل، آیه های فراوانی و از آن جمله: آیه ۲-۱ سوره هود، آیه ۱ سوره کهف، آیه ۲۸ سوره زمر و آیات دیگر بر آنند که همه آیات قرآن استوار و روشن اند یا به بیان دیگر «هیچ آیه ای متشابه نیست»:
الر (الف. لام. راء) کتابی است از سوی فرزانه ای آگاه که آیات آن

³⁴⁶ تفسیر المیزان، پیشین، ج ۳، ص ۶۰.

³⁴⁷ برای توضیحات بیشتر ر. ک. به بحث مربوطه در جلد چهارم این کتاب.

³⁴⁸ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁴⁹ تفسیر سور آبادی، پیشین، ج ۳، ص ۲۱۵۹.

استوار، روشن و شیوا بیان شده است^{۳۰۰} (سوره هود، آیات ۲-۱).
**"اسپاس خدا را که بر بنده خویش کتاب آسمانی را که در آن هیچ
 گونه کژی و کاستی نگذارده، نازل کرده است"**^{۳۰۱} (سوره کهف، آیه
 ۲۸). **"که قرآنی است عربی بدون کژی و کاستی، باشد که پروا پیشه
 کنند"**^{۳۰۲} (سوره زمر، آیه ۲۸).

شریعت سازان اسلامی نتوانسته اند این چند گانگی میان آیات قرآن را توضیح دهند. با این وجود، اکثریت وجود آیات متشابه در قرآن را انکار نمی کنند و بر این واقعیت اذعان دارند که تعدادی از آیات و موضوعات قرآن، معنی و مفهوم معلوم و مشخص ندارند یا در معانی مختلف به کار می روند یا می توانند به کار روند^{۳۰۳}. اینان در مقابل دو دسته از آیات مربوط به متشابه یا محکمت بودن تمام قرآن، آیات دسته سوم مربوط به متشابه بودن آیاتی از قرآن، رأی می دهند. این گزینش از جمله بسته به سودی است که این مورد سوم برای آنان به همراه می آورد. چرا که این مورد تنها مورد از این موارد سه گانه در قرآن است که راه تفسیر و تعبیر آیه های قرآن را هموار می کند و در همان حال، به آنان فرصت می دهد تا با متشابه یا محکمت اعلام کردن این یا آن آیه، به نیات لحظه ای خود لباس دینی بپوشانند و برای هدف های خود، تأیید قرآنی فراهم آورند.

- گوناگونی آیات متشابه

دیدیم که آیات متشابه فقط با مشکل معنی و مفهوم روبرو نیستند. برخی از این آیات از نظر زمانی، برخی از نظر مکانی و برخی دیگر نیز از نظر موضوعی نامفهوم اند. برخی نیز از نظر های مختلف بی مفهوم اند، یا در چند معنی و مفهوم به کار می روند.

³⁵⁰ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁵¹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁵² قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁵³ ر. ک. به نمونه های ذیل سرفصل «گوناگونی آیات متشابه» در صفحات بعدی.

این است که برای درک و فهم این آیات، نیاز به تفسیر و تعبیر پیدا شده، و تحت این نیاز، محدث، متکلم، مفسر، فقیه، عالم دینی و غیره و غیره پا به عرصه وجود گذاشته، راه‌ها، فرقه‌ها و شریعت‌های دینی و اسلامی ایجاد و ساخته و پرداخته شده‌اند.

تعداد آیات "متشابه"، یکی و دو تا نیستند و به بخش معینی از قرآن نیز تعلق ندارند، بلکه در سرتاسر قرآن آیاتی وجود دارند که مستقیماً دارای معنی نیستند، به معانی مختلف دلالت می‌کنند، یا از نظر زمانی، مکانی یا موضوعی، فاقد معنی و «غیر مبین» اند. این مسأله البته برای درک و فهم قرآن مشکل بزرگی است. اما مشکل بزرگتر در این زمینه نیز آن است که این آیات بدون هرگونه اشاره و نشانه‌ای در این جا و آن جای قرآن پخش‌اند. با این وجود، کسی نمی‌داند چه بخشی از معنایی که از آیه‌ای درک می‌شود، همان منظور اصلی نویسنده یا نویسندگان قرآن را در بر دارد و چه مقدارش ناشی از بدفهمی کلمه و جمله است.

لازم به یادآوری است که نمایندگان قرائت «رسمی و با واسطه»، با هزاران کتاب و جزوه‌ای که در طول ۱۴۰۰ سال تولید کرده‌اند، مدعی‌اند که این معانی را می‌دانند و به معنی و منظور واقعی آیات متشابه دسترسی دارند. اما ملاحظه کتاب‌های تفسیر اسلامیان نشان می‌دهد که این ادعاها، توخالی و ناشی از تعصبات دینی و منافع دنیوی اند^{۳۵۴}. با این همه کتاب و تفسیر و تأویل:

- هنوز هم در مورد این که این یا آن آیه متشابه است یا نیست، بحث می‌شود.

- هنوز هم سؤالات بدون پاسخ در مورد معنی و مفهوم این یا آن آیه دست به دست می‌گردند و،

- هنوز هم معنی و مفهومی که کشف شده تلقی می‌شود، چیزی جز ابداعات تحریف شده و متکی به روایات و احادیث عمدتاً جعلی و

³⁵⁴ ر. ک. به فصل «ادعائی توخالی نمایندگان قرائت با واسطه» در همین جلد از کتاب.

ساختگی^{۳۵۵} مثنی متعصب اسلامی دوران قرون وسطای اسلامی نیست.

این اس که آیات "متشابه" کماکان بدون هر گونه حل و فصل باقی مانده اند و یکی از مشکلات بزرگ دیگر بر سر راه درک و فهم محتوی قرآن را تشکیل می دهند.

اما همان اندازه که این آیه ها مشکلی بزرگ برای مطالعه و درک و فهم قرآن اند، وجود آن ها، فرصتی طلایی برای متشرعین، مفسران و متکلمان اسلامی فراهم آورده تا به آسانی خواست خود را بر این گونه آیات تحمیل کنند و از این راه:

- به خواست و منظور خود و فرقه دینی خود لباس دینی، اسلامی و الهی بپوشند و،

- به نفع حکومت و اربابیت دینی خود و فرقه خود، مشروعیت قرآنی استخراج (!) کنند.

- متشابه مکانی، زمانی و موضوعی

۱- آیه ۵۳ سوره الفرقان و آیه ۱۲ سوره فاطر مربوط به دو دریا که گویا یکی آب شیرین و خوشگوار و دیگری آب شور و تلخ دارد، نمونه آیات «متشابه از نظر مکانی» اند:

'او او کسی است که دو دریا را به هم برآمیخت. این یک شیرین و خوشگوار، و این یک شور و تلخ. و در میان آن دو برزخ و حائلی استوار قرار داد'^{۳۵۶} (سوره فرقان، آیه ۵۳). **'و آن دو دریا یکسان نیستند، این یک شیرین خوشگوار که نوشیدنش گوار است، و این یک شور تلخ؛ و از هر کدام گوشت تر و تازه می خورید، و زیوری بیرون می آورید که آن را می پوشید، کشتی را در آن، دریا شکاف می بینی تا**

^{۳۵۵} ر. ک. به بحث مربوطه در فصل «تحریف معنی و مفهوم قرآن با آیات جعلی» در جلد سوم

این کتاب.

^{۳۵۶} قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

در طلب روزی مقرر از جانب او برآیید، و باشد که سپاس گذارید^{۳۵۷}»
(سوره فاطر، آیه ۱۲).

در این رابطه پرسش های بی پاسخ فراوانند:

- این دریاهاى شور و شیرین کجایند و آن جا کجاست که عرب های مورد خطاب قرآن از آن گوشت تر و تازه می خوردند، زیور پوشیدنی بیرون می کشیدند یا بر آن کشتی می راندند؟ همچنین، اصلاً:

- برزخ بین دو دریا به چه معنی است؟ و آن جا کجاست که این برزخ مورد ادعا در میان دریاهاى با این مشخصات حایل است؟ و باز این همه در چه «زمانی» و «مکانی» اتفاق افتاده یا می افتد، و با چه هدفی؟ و اساساً:

- چرا و چگونه ذکر مکان هائی فاقد نشانی در این «کتاب دینی»، می تواند به پیامی دینی منجر شوند و به ایمان دینی مردم یاری رساند؟ همچنین:

- چرا آیه ای که معنی و مفهومش روشن نیست، در کتاب دینی بی آمده که خود می گوید «مبین»^{۳۵۸} است و برای هدایت مردم قبایل عرب ۱۴۰۰ سال پیش نگارش یافته؟ و،

- چرا نه از معنی و مفهوم این آیات از پیامبرش سؤال شده، نه ایشان چیزی در این زمینه ها گفته و نوشته اند و نه این همه معصومین و مقامات عالیة دینی که در رابطه با خدا و رسول فرض می شوند، در این مورد نشانی مشخصی داده اند؟^{۳۵۹}.

باز پرسیدنی است:

- آیا نگارش این گونه آیات چند پهلو، عمدی و از سوی خدا بوده؟ و به چه منظوری؟ و در این صورت تضاد بین این آیات با آیات فراوانی که قرآن و آیاتش را "مبین" می خوانند، چگونه قابل حل است؛ کدام الهی و قرآنی اند؟، یا سهوی بوده و در این صورت، چگونه در کتاب خدای قادر و توانا راه یافته اند و و و؟

³⁵⁷ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاه

³⁵⁸ ر. ک. به فصل «نزول و آثار نزول قرآن از سوی خدا» در جلد دوم این کتاب.

³⁵⁹ ر. ک. به فصل «ادعائی توخالی نمایندگان قرآنت با واسطه» در همین جلد از کتاب.

آیات «متشابه مکانی» یکی و دو تا نیستند و فقط به این آیات و موضوعات خلاصه نمی شوند.

۲- آیات ۱-۳ سورة القمر در مورد آن چه "شق القمر" خوانده می شود، نمونه «آیات متشابه زمانی» اند. این آیات از نظر زمانی قابل توضیح نیستند و به این سبب، معانی مختلفی را القاء می کنند^{۳۶۰}:

«قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت (آیه ۱) و هرگاه نشانه ای ببیند گویند این سحری مستمر است (آیه ۲). آن ها تکذیب کردند و از هوای نفس شان پیروی نمودند و هر امری قرارگاهی دارد» (آیه ۳)^{۳۶۱}. کسی به درستی نمی داند که آیا این آیات زمان گذشته یا مضارع حال اند و از معجزه ای خبر می دهند که در آن صورت چرا با بیان روز قیامت آغاز می شوند، یا مضارع ناظر به زمان آینده اند و از اتفاقی در آینده و موقعی که قیامت نامیده می شود خبر می دهند. برخی از مفسرین و از آن جمله ابن مسعود^{۳۶۲} آن را اتفاقی در زمان "نزول" ارزیابی می کنند و به "معجزه" رسول نسبت می دهند که گویا در جایی با اشاره دست ماه چهارده شبه را دو نیمه کرده بود. این تفسیر، با آیات دیگر قرآن که انجام معجزه از سوی پیغمبر اسلام را منتفی می دانند در تضاد قرار می گیرد.

این در حالی است که برخی دیگر از مفسرین و از آن جمله بیضاوی^{۳۶۳}، آن را در رابطه با آغاز آیه، اتفاقی ممکن به وقت قیامت می دانند و ادعای مفسرین دیگر در مورد مربوط بودن این آیه به اتفاق فرضی «شق القمر» را مردود می شمارند.

³⁶⁰ Refer to: İlhan Arsel, Koran, in Eleştirisi, Cilt 3, s. 127

³⁶¹ قرآن، ترجمه تفسیر نمونه، جلد ۲۳، ص ۷ و قرآن، ترجمه تفسیر سور آبادی، جلد ۴، ص ۲۴۷۹-۲۴۸۰.

³⁶² Elmalı H. Yazır. C. 6, s. 4621; Quoted by: İlhan Arsel, Koran, in Eleştirisi, Cilt 3, ibid.

³⁶³ Ibid.

۳- آیاتی نیز «متشابه از نظر موضوعی» اند. برای نمونه، کسی نمی‌داند که چرا موضوع دو دریای ناشناس در سوره‌های الرحمن و النمل مطرح شده‌اند و کسی هم از معنی موضوع برزخ حایل بین این دریاها ناشناس اطلاع ندارد. این آیات چنینند:

«پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ دو دریا را که به هم می‌رسند در آمیخت. در میان آن‌ها برزخی است که به همدیگر تجاوز نکنند» ^{۳۶۴} (سوره الرحمن، آیات ۲۰-۱۸).

«ایا کیست که زمین را قرارگاه ساخت و در میان آن جویبارها پدید آورد و برای آنان کوه‌های استوار آفرید و بین دو دریا برزخی قرار داد؛ ...» ^{۳۶۵} (سوره النمل، آیه ۶۱).

آیا این دریاها همان دریاهای مورد بحث در آیه ۵۳ سوره الفرقان و آیه ۱۲ سوره فاطر، به شرح صفحات قبل، یکی شیرین و خوشگوار و دیگری شور و تلخ‌اند؟

- سبب و هدف از بحث راجع به دریاهائی که کسی آشنائی و شناختی از آن‌ها ندارند، چیست و:

- چگونه در قرآنی که بر اساس آیات فراوانی «مبین» (روشن، صریح و بدون نیاز به تفسیر) است، از مکان موضوعی چنین نامعلوم بحث می‌شود؟ سؤال دیگر آن‌که:

- چرا و چگونه ذکر موضوعاتی چنین نامعلوم در این «کتاب دینی» می‌تواند منجر به پیامی دینی شود و به ایمان دینی مردم یاری رساند.

۴- آیات ۶۶ و ۶۵ سوره انفال نمونه آیات «متشابه به سبب تقدم و تأخر زمانی و موضوعی» اند. دیدیم که این آیات چنین‌اند: **«ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز، اگر از شما بیست تن شکیب باشند، به دویست تن غلبه خواهند کرد و اگر از شما صد تن باشند بر هزار تن از کافران غلبه می‌کنند، چرا که اینان مردمی هستند که چیزی در نمی‌یابند»** ^{۳۶۶} (سوره انفال، آیه ۶۵). **«اینک خداوند بر شما آسان**

³⁶⁴ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁶⁵ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁶⁶ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

گرفت و معلوم داشت که در شما ضعفی هست، پس اگر از شما صد تن شکیبیا باشند بر دویست تن غلبه می کنند و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دو هزار تن غالب می کنند، و خداوند با شکیبیایان است"^{۳۶۷} (سوره انفال، آیه ۶۶).

قبلاً در مورد این آیات در موضوع ناسخ و منسوخ بحث شده و دیده ایم که شریعت سازانی که طرفدار اولین بودن آیه ۶۵ اند، بر این نظرند که "قبلاً هر مسلمان قادر به پیروزی بر ده کافر بوده، ولی بعداً خداوند در عمل دیده (از راه تجربه یاد گرفته؟) که آنان قادر به چنین کاری نیستند. از این رو، با تجربه توانائی مسلمانان، میزان امیدواری از آنان را تقلیل داده یا حتی لطف کرده و بر آنان آسان گرفته است". اما به نظر دیگری که آیه ۶۶ را اولین و متقدم بر آیه ۶۵ می دانند، "ابتداء؛ یعنی در زمانی که مسلمانان هنوز ضعیف بوده و حکومت مدینه سر نگرفته بود، مسلمانان توان کم تری داشتند و هر مسلمان، حریف بیش از دو کافر زمان نزول نبود، اما بعداً که اوضاع سر و سامان گرفته و مسلمانان صاحب اسلحه و مرکب و فرماندهی شدند، این توانائی تا به یک بر ده افزایش یافت و خداوند نیز آن را تأیید کرد"^{۳۶۸، ۳۶۹}.

هنوز هم در مورد تقدم این دو آیه، ناآگاهی و بحث ادامه دارد و هنوز هم کسی در مورد تقدم یکی از این دو آیه هیچ نمی داند. این گونه آیات متشابه و نامعلوم فراوانند و پرسش هائی هم که هر کدام ایجاد می کنند فقط در این حد و حدود باقی نمی مانند.

³⁶⁷ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁶⁸ İlhan Arsel, Koran,ın Eleştirisi, Cilt 2, s.135-134.

³⁶⁹ ر.ک. به بحث «ناسخ و منسوخ» در همین جلد از کتاب.

تکرار مکررات

تکرار کلمات، عبارات و جملات، مشکل دیگر درک و فهم قرآن است. تکرار عبارات و جملات گاهی به صورت تکرار متن یا عبارت معین در آیات و سوره های مختلف و گاهی به صورت تکرار تمام یا قسمتی از معنی و مفهوم عبارت، جمله یا آیه است.

این تکرار ها، به تنهایی مغایر با «نظم منطقی» نوشتاری اند و از آن نظر، مانع فرموله کردن موضوعات و معنی و مفهوم آیات و سوره ها می شوند.

در ضمن، در بحث مربوط به آیات متضاد و پروسه ای نیز مطرح شد که با وجود آیات تکراری در موضوعاتی که از نظر معنی و مفهوم کمی کمتر یا بیشترند، یا از نظر موضوع، زمان، مکان یا روند حوادث دچار تعارضاتی اند، دشوار بتوان گفت که کدام محتوی و آیه، نماینده نظر قرآن است و خواست خداوند را نمایندگی می کند و کدام نیست. این جاست که:

- تکرار مکررات به مانعی عمده در راه درک و فهم قرآن تبدیل می شود و به عنوان مشکلی از مشکلات مطالعه دینی عمل می کند.

موضوعات و موارد تکراری از نظر شکل و محتوی در چند گروه بندی جای می گیرند که «تکرار نظم و نثر یکسان»، «تکرار محتوی یکسان با بیان های مختلف» و «تکرار محتوی های ناهمسان» از آن جمله اند.

- تکرار نظم و نثر یکسان

گاهی این جملات از نظر نظم و نثر یکسانند و آیات مختلف، تکرار عبارت و جمله معینی را در بر می گیرند. برای نمونه در سوره الرحمن، جمله **«فَبأی الاء ربکما تکذبون»** به معنی: **«پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟»**³⁷⁰ ۳۱ بار در همان

³⁷⁰ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

سوره و به همان شکل تکرار می شود. آیات ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۵ و ۷۷ سوره الرحمن تکرار مکرر یک جمله مشترک اند.

- گاهی هم متن معینی، نه در یک سوره، بلکه در جاهای مختلف قرآن تکرار می شود. از آن جمله است تکرار عبارت 'بوستان هائی که جویباران از فرودست آن جاری است' در سوره ها و آیه های مختلف و فراوان قرآن. از آن جمله اند: "این احکام الهی است و هر کس از خداوند و پیامبر او اطاعت کند، به بوستان هائی که جویباران از فرودست آن جاری است، در می آید..."^{۳۷۱} (سوره النساء، آیه ۱۳).
 "برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بوستان هائی است که جویباران از فرودست آن جاری است..."^{۳۷۲} (سوره آل عمران، آیه ۱۵).
 "پاداش اینان آمرزش پروردگارشان و بوستان هائی است که از فرودست آن جویباران جاری است..."^{۳۷۳} (سوره آل عمران، آیه ۱۳۶).
 "آری کسانی که ... سیانتشان را می زدایم و به بوستان هائی که جویباران از فرودست آن جاری است درشان می آورم..."^{۳۷۴} (سوره آل عمران، آیه ۱۹۵).
 "اما کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند، بوستان هائی دارند که جویباران از فرودست آن جاری است..."^{۳۷۵} (سوره آل عمران، آیه ۱۹۸).
 "و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به بوستان هائی که جویباران از فرودست آن جاری است در خواهیم آورد..."^{۳۷۶} (سوره النساء، آیه ۵۷).
 "و کسانی که ... به بوستان هائی که جویباران از فرودست آن

³⁷¹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁷² قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁷³ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁷⁴ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁷⁵ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁷⁶ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

جاری است در خواهیم آورد ...»^{۳۷۷} (سوره النساء، آیه ۱۲۲) و ده ها و صد ها آیه دیگر.

- تکرار محتوی یکسان

اما اگر در این جا تکرار عبارت 'لپوستان هائی که جویباران از فرودست آن جاری است'، به عنوان یادآوری «شفاهی» پاداش و جزا به شنوندگان جدید و نومسلمان دوره رسول، قابل توجه به نظر می رسد و بالاخره دارای کارکردی است، در آیات و موضوعاتی دیگر، این تکرارها هیچ کارکردی ندارند. برای مثال دیدیم که در آیه ۶۵ سوره انفال، بیست مسلمان دوره رسول با دویست کافر آن دوره برابر به شمار آمده اند: **«ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز، اگر از شما بیست تن شکیبیا باشند، به دویست تن غلبه خواهند کرد و ...»^{۳۷۸} (سوره انفال، آیه ۶۵).** در این صورت، بدیهی است که با این حساب، هر رقمی به نسبت ده برابر به شمار می آید و مثلاً صد نفر نیز با ده برابر خود، یعنی هزار نفر برابر خواهد شد. از این رو، ذکر هر رقم دیگر جز «تکرار» همان منظور نیست و کاربردی هم ندارد. یا در آیه ۶۶ همین سوره به جای این برابری یک بر ده، هر مسلمان شکیبیا فقط می تواند بر دو کافر زمان نزول غالب آید. در این صورت نیز، بدیهی است که هر رقم دیگری دو برابر خواهد شد و احتیاج به ذکر مثال های دیگر نیست و به بیان دیگر، هر مثال دیگر جز «تکرار» همان موضوع اول نخواهد بود: **«اینک خداوند بر شما آسان گرفت و معلوم داشت که در شما ضعفی هست، پس اگر از شما صد تن شکیبیا باشند بر دویست تن غلبه می کنند ...»^{۳۷۹} (سوره انفال، آیه ۶۶).**

³⁷⁷ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁷⁸ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁷⁹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

با این وجود، هر دو این آیات با رقم برابر سازی دیگر ادامه می یابند و هیچ کدام از ارقام جدید نیز، جز تکرار همان محاسبه قبلی نیستند و هیچ کارکرد دیگری ندارد: "اگر از شما بیست تن شکیباً باشند، به دویست تن غلبه خواهند کرد و اگر از شما صد تن باشند بر هزار تن از کافران غلبه می کنند"^{۳۸۰} (سوره انفال، آیه ۶۵). "؛ ، اگر از شما بیست تن شکیباً باشند، به دویست تن غلبه خواهند کرد و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دو هزار تن غالب می کنند"^{۳۸۱} (سوره انفال، آیه ۶۶).

می بینیم که تکرار هزار به دو هزار در این آیه، همانند تکرار صد به هزار در آیه ۶۵ همین سوره انفال، هیچ کارکردی ندارد و با وجود قسمت اول آیه، نیازی به آن نیست.

- تکرار محتوی های ناهمسان

گاهی نیز، هر تکراری با تغییری از محتوی همراه است. آیات خلقت آسمان و زمین، با تغییراتی در تعداد روزها و موارد خلقت، از آن جمله اند: "بگو آیا شما به کسی که زمین را در دو روز آفریده است کفر می ورزید ..."^{۳۸۲} (سوره فصیلت، آیه ۹). "... و در چهار روز زاد و برگ (زمین) را در آن آماده ساخت"^{۳۸۳} (سوره فصیلت، آیه ۱۰). "سپس به آسمان پرداخت ... آنگاه آن ها را به صورت آسمان های هفتگانه در دو روز استوار کرد"^{۳۸۴} (سوره فصیلت، آیات ۱۱-۱۲). بر اساس این آیات، جمعاً شش روز صرف خلقت زمین و زاد و برگش شده و دو روز هم صرف خلقت آسمان شده و از این رو، جمع زمین و آسمان و آنچه در زمین است در مدت $6+2=8$ روز خلق شده است.

³⁸⁰ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁸¹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁸² قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁸³ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁸⁴ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

اما آیه ۵۴ سوره اعراف که همین موضوع خلقت را «تکرار» می کند، از خلقت زمین و آسمان نه در هشت روز، بلکه در شش روز خبر می دهد: "همانا پروردگار شما خداوند است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید ..." (سوره اعراف، آیه ۵۴). این رقم جدید شش روزه بعد از آن در آیات مختلف از جمله: آیه ۳۸ سوره قاف؛ آیه ۳ سوره یونس، آیه ۷ سوره هود، آیه ۴ سوره الحديد، آیه ۵۹ سوره فرقان تکرار شده است: "و به راستی که آسمان و زمین و مابین آن ها را در شش روز آفریدیم و به ما هیچ ماندگی ای نرسید" (سوره قاف، آیه ۳۸). "پروردگار شما آسمان و زمین را در شش روز آفرید ..." (سوره یونس، آیه ۳). "و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید ..." (سوره هود، آیه ۷) و سایر.

- همچون گفتار فی البداهه سخنران

شکل تکرار عبارات و جملات در قرآن، به این کتاب حالت بیان آزاد «شفاهی» و گفتار فی البداهه سخنرانی را می دهد تا نوشتار کتبی از پیش اندیشیده و ویراستاری شده. این بدان می ماند که انگار کسی در دفعات مختلف سخنرانی و گفتار های شفاهی خود به موضوعاتی که فی البداهه به خاطرش رسیده، بی توجه به این که این موضوعات قبلاً چندین بار تکرار شده، اشاره کرده است. در این بیان نوعاً شفاهی، انگار که سخنران:

- گاهی جمله معروفی یا بیتی از نظمی را به عنوان مطلع موضوعی مورد بحث، به تکرار می خواند (ر. ک. سوره الرحمن به شرح فوق)،
- گاهی انگار شاه بیتی را در گفتارهای عدیده تکرار می کند (ر. ک. به آیات مربوط به بهشت)،
- گاهی برای توضیح بیشتر بدیهیاتی، آن ها را با مثال ها و بیان های مختلف تکرار می کند (ر. ک. به آیات انفال به شرح فوق) و
- گاهی نیز انگار موقع نقل قول، اصل جمله یا بیتی از شعری در تمامیت خود به خاطرش نیامده و به جای بیت مورد نظر، تمام یا

قسمتی از همان معنی و مفهوم را در الفاظ و ساخت های کلامی جدید
تکرار می کند.

